

تحول خواهی که مصداق ندارد

نقدی به ادعای رییس مرکز روابط عمومی آموزش و پرورش

جعفر ابراهیمی / معلم

آقای مرتضی نظری، رییس مرکز روابط عمومی آموزش و پرورش، در دفاع از بطحایی و در مورد هزینه تحول گرایی وزیر و در ارتباط با تشکل ها نوشته است « اصولگرایان ۳ تشکل و اصلاح طلبان و معتدلان و صنفی ها ۶ تشکل فرهنگی دارند. مجموعاً ۹ تشکل فعال. شاخه های فرهنگی احزاب را هم داریم که بعضاً بسیار فعالند.

اگرچه در بسیاری مواقع مرزبندی دقیقی در خیلی از مسایل کلان، میان این تشکل ها قابل مشاهده نیست، اما برآورده کردن انتظارات آنها خیلی سخت است .

این سختی پاسخ به انتظارات در دوره بطحایی خیلی بیشتر نمود دارد چون صداهای مختلف را به رسمیت می شناسد. نمونه اش نشست دو روز پیش با صنفی ها بود. و قبل تر با انجمنی ها، مجمعی ها، کانونی ها و اصولگراها هم یکبار.»

مرتضی نظری چند تا عدد و اسم را به هم چسبانده تا بگوید وزیر اهل تعامل با تشکل هاست از تنها دیدار تشکل های صنفی هم نوشته تا بگوید وزیر چقدر علاقمند به دیدگاههای متنوع است اما نگفته که این اولین دیدار تشکل های صنفی با وزیر طی ۵ سال گذشته است و مشخص نکرده است که این تشکل ها کدام هستند و معلوم نیست چرا صنفی ها را در کنار اصلاح طلبان قرار می دهد و چگونه به ۶ تشکل می رسد؟

واقعیت این است که آقای نظری همچون وزیر، اطلاعاتش در مورد تشکل های صنفی اشتباه است و حتی به خود زحمت نداده که از مشاور وزیر در امور تشکل ها که من به وی مشاور وزیر در سرکوب تشکل ها می گویم بپرسد در دیدار صنفی ها، در روز چهارشنبه هفتم مردادماه چند تشکل صنفی حضور داشته است.

در همین دیدار مورد اشاره آقای نظری، وقتی یکی از اعضای شورای هماهنگی در مورد روند تشکل یابی صنفی در حال توضیح بود وزیر از وضعیت و تعداد تشکل های صنفی بی اطلاع بود و این در حالی بود که مشاور وزیر، عادل عبدی، کنار دست وی نشست بود همانجا من به آقای بطحایی گفتم شما چرا از تعداد تشکل ها اطلاع ندارید؟ وظیفه مشاور شما چیست؟ و همانجا گفتم که مشاور شما بیشتر کارش سرکوب تشکل های صنفی است .

واقعیت این است که دولت تاکنون با بیشتر تشکلهای صنفی را سرکوب کرده و مجوزشان را گروگان گرفته است نوع مواجهه دولت بر مبنای فریبکاری و عدم صداقت بوده است و از عملکرد مشاور وزیر نیز این مطلب هویداست.

می گویم سرکوب و فریبکاری چون برایش استدلال دارم ، چرا که هم اینک مهمترین اتهام معلمان در بند ، اتهام "عضویت در تشکل غیرقانونی کانون صنفی" عنوان شده است اما دولت روحانی حاضر نیست اعلام کند که این تشکل ها قانونی هستند حتی نمی خواهد

در این حد توپ را در زمین قوه قضاییه بیاندازد چرا؟ معلوم است چون امنیتی ترین دولت بعد از انقلاب است و سکندارش امنیتی ترین چهره نظام محسوب می شود.

اما در مورد جلسات وزیر با تشکل های صنفی آقای نظری باید بداند در نشست روز چهارشنبه از تشکلهای عضو شورای هماهنگی ، ۱۳ تشکل حضور داشتند تعداد تشکل های صنفی البته به بیش از ۳۰ تشکل می رسد اگر دولت موانع را بردارد و دست به سرکوب پنهان نزند.

در مورد دیدار وزیر با سیاسی ها که ادامه باندهای قدرت در بین معلمان هستند باید گفته آقای نظری را تایید نمود به همان اندازه که وزیر از رویارویی با تشکل های صنفی پرهیز می کند اتاقش حیات خلوت سیاسی ها بخصوص به قول آقای نظری مجمعی ها است چرا که عادل عبدی مشاور وزیر از این تشکل است و طبیعی است اولویت باندی اش ایجاب می کند جاده صافکن اعضای باند خود باشد و تا می تواند در مورد فعالان صنفی و تشکل های صنفی سیاه نمایی کند .

همانطور که استیضاح وزیر ربطی به منافع معلمان و دانش آموزان نداشت و استیضاح کنندگان به دنبال منافع باندی و باج خواهی بودند منتفی شدن استیضاح را نیز باید نتیجه لابیگری و باج دهی دانست اما حالا که این نمایش سراسر مضحک منتفی شده است بهتر است مبلغان برنامه های آقای بطحایی و در راس آن آقای نظری، فراتر از رپورتاژ آگهی و شوآف های نخ نما، برای معلمان و مردم ایران توضیح دهند این تحول خواهی بطحایی خارج از شعار در کجا عینیت یافته است؟ راستی برای کودکان سیستمی میز و صندلی خریدید؟ کجا مافیای کنکور محدود شده است؟ چه برنامه عملی برای شاد بودن کودکان در مدرسه دارید؟ راستی کودکان طبقات فرودست چگونه قادرند هزینه پیش دبستانی اجباری و خصوصی را پرداخت کنند؟ کارتخوانی کردن مدارس به کجا رسید و چقدر از جیب مردم بنام کمک های مردمی به حساب دولت واریز شد؟ و...